

واکاوی نشانه‌های نمایش‌های آیینی در نقوش مهرهای مکشوفه تمدن باستانی جیرفت

زینب قائمی فر
حمید طبسی (نویسنده مسئول)

نوع مقاله: علمی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۲۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۹/۲۶

واکاوی نشانه‌های نمایش‌های آیینی در نقوش مهرهای مکشوفه تمدن باستانی جیرفت

زینب قائمی‌فر

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، جیرفت، ایران

حمید طبسی

استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، جیرفت، ایران

این مقاله مستخرج از پروژه‌ی دکتری خانم زینب قائمی‌فر با عنوان «سیر تحول تعزیه‌ها و نمایش‌های آیینی در فرهنگ و ادب عامه‌ی استان کرمان» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت با راهنمایی استاد حمید طبسی است.

چکیده:

به دنبال نمایان شدن برخی سفالینه‌ها و مهرها و آثار باستانی در حاشیه هلیل‌رود، که بعد از طغیان این رودخانه‌ی دائمی پس از بارش‌های سیل‌آسای سال ۱۳۷۹ در جیرفت رخ داد، باستان‌شناسانی از سراسر دنیا به منظور انجام کاوش‌های علمی به این منطقه آمدند و با کاوش‌های صورت گرفته، کهن‌ترین تمدن شرق پا به منصفه‌ی ظهور گذاشت تا آشکار کننده‌ی هویتی شگرف از مردمانی صاحب ذوق با آداب و رسوم و آیین‌های خاص آنان باشد. در این مقاله نشانه‌های نمایش‌های آیینی در نقوش مهرهای کشف شده‌ی تمدن باستانی جیرفت را با هدف شناسایی و معرفی پیشینه‌ی جدیدی از نمایش‌ها آیینی در ایران بررسی می‌کنیم. بدین منظور ابتدا با نگارش درآمدی بر نمایش‌های آیینی این سؤال طرح شده است که آیا نظریه اثبات شده محققان در تعیین قدمت نمایش‌های آیینی همچنان به قوت خود باقی است یا خیر؟ و سپس پیشینه‌ی پژوهش شرح داده شده و در ادامه، یافته‌های تمدن جیرفت مورد بررسی قرار گرفته است. پس از آن، قرابت نقوش باستانی دنیا با نقوش کشف شده از تمدن مزبور، که بیان کننده‌ی نمایشی آیینی می‌باشد، بررسی شده است. در این نوشتار، سعی در اثبات این نکته داریم که نمایش‌های آیینی ایران از گذشته‌ای باستانی برخوردار است و قدمتی طولانی‌تر از دانسته‌های پیشین ما دارد و با توجه به نتایج حاصله از این تحقیق، محتمل است که نمایش‌های آیینی جیرفت قدیمی‌ترین نمایش‌های آیینی ایران، در زمان تقریبی پنج‌هزار سال پیش از میلاد مسیح باشد.

واژگان کلیدی: نمایش آیینی، تمدن جیرفت، فرهنگ و ادب عامه، مهرهای مکشوفه، آیین ازدواج، پهلوان الهی، شخصیت‌ها رودرو.

۱. درآمد

نمایش‌های آیینی ریشه در آداب و رسوم و عقاید مردمان سرزمین‌های مختلف داشته که خود نشأت گرفته از بازخورد دریافت شده توسط افراد از نیازهای آن‌ها به وسیله‌ی طبیعت و برآورده شدن این نیازها توسط نیروهای ماورالطبیعی بوده‌اند که باعث شده‌اند این آیین‌ها همواره پویا و زنده بمانند. با توجه به تفاوت انسان‌ها و جوامع، بدون شک آیین‌ها در هر زمان و مکان متناسب با سنت‌ها و فرهنگ مردم آن جامعه شکل گرفته و به عنوان اعتقادات ملی مردم آن سرزمین بسط یافته‌اند و یا به دلیل وجود نیازهای مشترک بین جوامع، در جوامع دیگر هم وجود داشته و بعضاً باعث پیوند بین جوامع مختلف شده‌اند.

بر این اساس، بدیهی است که نمایش‌های آیینی پویا، علاوه بر استمرار حیات خود راهی برای انتقال فرهنگ، آیین و آداب و رسوم اقوام مختلف بوده که بعضاً به مرور زمان و با مراودات بین قومیت‌ها از جامعه‌ای به جامعه دیگر نیز منتقل شده‌اند و برخی از آن‌ها به عنوان آداب مشترک بین ملل همچنان ماندگار مانده‌اند، آداب و رسوم و آیین‌هایی که بر پایه‌ی نیاز ذاتی انسان‌ها بوده‌اند همچنان با تغییراتی به حیات خود ادامه داده و تداوم یافته‌اند و بعضاً باعث قرابت فرهنگی تمدن‌های کهن هم شده‌اند که برای نمونه می‌توان ردپای قرابت فرهنگی را در آیین‌هایی از تمدن سومر و تمدن گمشده‌ی مرهشی «جیرفت» مشاهده کرد، مانند آیین ازدواج که مشترک بین دو تمدن بوده و به دلیل نیاز بشر همواره زنده مانده و استمرار یافته است.

با فرض اینکه همواره آیین‌ها دارای اهمیت به صورت نمایشی در جوامع برگزار می‌شده‌اند مسئله این است: آیا قدمت تعیین شده برای نمایش‌های آیینی ایران با وجود کشفیات جدید باستان‌شناسان همچنان بر اساس یافته‌های بهرام بیضایی هزاره‌ی دوم پیش از میلاد است یا تغییر یافته است؟ آیا نمایش‌های آیینی متعلق به عصر کشف شده منسوخ شده‌اند و یا همچنان ادامه‌ی حیات داده‌اند؟

با توجه به کشف تمدن گمشده‌ی مرهشی «جیرفت» توسط باستان‌شناسان که قدمت آن پنج هزار سال پیش از میلاد تعیین شده است می‌توان رد پای نمایش‌های آیینی را در نقوش آثار کشف شده‌ی این تمدن جست‌وجو کرد، در نقوش آثار کشف شده‌ی این تمدن تکرار یک نقش‌نگاره در بسیاری از آثار کشف شده گویای اهمیت موضوع این نقش‌نگاره است، بدون شک نقوش آثار کشف شده‌ی تمدن جیرفت می‌تواند نمود کوچکی از یک آیین، جشن و پایکوبی بزرگ و دارای اهمیت باشد که بر روی مهرها و یا ظرف، کنده‌کاری یا نقاشی شده است که پس از قرون و اعصار متمادی به دست ما رسیده است؛ و یا ممکن است نشانه‌هایی از بقایای آیینی باشد که به مرور زمان از بین رفته و یا متعلق به منطقه‌ای دیگر بوده باشد مانند نقوش نبرد انسان و حیوان در آثار کشف شده‌ی این تمدن که شاید بیان‌کننده‌ی یک آیین پهلوانی منسوخ شده باشد. نقوش آثار کشف شده‌ی تمدن جیرفت، گویای اشتراکات با نقوش کشف شده‌ی تمدن سومر و سایر نقوش کشف شده‌ای است که شرح داده شده و در این‌جا مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

واکاوی نشانه‌های
نمایش‌های آیینی
در نقوش مهرهای
مکشوفه تمدن
باستانی جیرفت

۲. پیشینه‌ی پژوهش

در زمینه‌ی نشانه‌های نمایش‌های آیینی در ایران، بهرام بیضایی در کتاب نمایش در ایران در مطلبی با عنوان نمایش‌های پیش از اسلام با اشاره به تصویر دو تن از اجراکنندگان رقص

دسته‌جمعی که صورتک بز بر چهره دارند (بیضایی، ۱۳۴۴: ص ۱۹) و با استناد به مقاله‌ی «رقص در ایران» از یحیی ذکاء قدمت نمایش‌های آیینی ایران را نیمه‌ی اول هزاره‌ی دوم پیش از میلاد معرفی می‌کند. در این مقاله، یحیی‌ذکاء بر اساس کشف تکه سفال کوچکی توسط پروفیسور هرتسفلد در تخت‌جمشید این تاریخ را ذکر کرده است (نک. ذکاء، ۱۳۴۲: ص ۵۴). بیضایی استفاده از این صورتک‌ها را نشان از وجود یک اندیشه‌ی رایج مذهبی می‌داند که در خصوص ستایش درخت زندگی توسط دو بز است.

از رقص‌های ستایش که بگذریم، ردپای نمایش‌های آیینی ایران را می‌توان در آیین‌هایی چون میرنوروزی، سوگ‌سیاوش، کوسه‌برنشین و غیره دید. در برخی کشورها در آیین شمنی نیز هنگام مراسم در میرنوروزی که عموماً در هنگام نوروز برگزار می‌شده است، فردی را برای مدت زمانی کوتاه به جای سلطان بر تخت می‌نشانند که فرمانروایی وی بسیار کوتاه بوده است. این آیین تا سال ۱۳۰۲ در بجنورد خراسان معمول بوده و در کردستان نیز رسم میرمیرین یکی از آیین‌های نوروزی به شمار می‌آید که تحول یافته‌ی میرنوروزی است و هنوز باقی است. نمونه‌هایی از این نمایش‌های آیینی و معرفی آن‌ها را در آثاری نظیر جشن‌های ایران باستان تالیف هاشم‌رضی، دانشنامه‌ی مزدیسنا از دکتر جهانگیر/وشیدری، جهان‌فره‌وری اثر دکتر بهرام‌فره‌وشی، فرهنگ اساطیر تالیف دکتر محمدجعفر یاحقی و آثار مشابه دیگر می‌توان دید. از دیگر نمونه‌های این نمایش‌های آیینی، سوگ‌سیاوش است که از آن با عنوان «سیاوشان» نیز یاد می‌شود و در خصوص مرگ و رستاخیز طبیعت است و مظهری از بهار و خزان رستنی‌ها و تناوب حیات و ممات در طبیعت محسوب می‌شود و شباهت‌هایی با/وزیریس و تموز در اساطیر بین‌النهرینی دارد (یاحقی، ۱۳۸۹: ص ۲۶۴) و کوسه‌برنشین که آیین هفت روزه و مرسوم بین ایرانیان بوده و در هرمزد روز از آذر ماه برپا می‌شده؛ به این صورت که مردی کوسه، سوار بر خر و کلاغی در دست و باذنجان می‌آمده و از مردم چیزی می‌ستانده و اگر به او چیزی نمی‌دادند گل تیره‌ای بر آن‌ها می‌پاشیده است هر چه را که تا ظهر به دست می‌آورد متعلق به شاه بود، از ظهر تا عصر نیز دریافتی‌ها به خود او و غلامان شاه که همراه او بودند می‌رسید. این آیین تا روزگار/بوریحان‌بیرونی در شیراز برگزار می‌شده است (یاحقی، ۱۳۸۹: ص ۳۵۶). همچنین رویین پاکباز در دایره‌المعارف هنر توضیح داده است که در برخی نقاط دنیا آیین شمنی را می‌توان دید که در آن، اعتقاد به نفوذ شمن «ساحر-طیب قبیله» در جهان غیر مرئی ارواح حاکم بر زندگی مردم و نقشی که او در شفابخشی بیماران دارد، به چشم می‌آید. در این باور، شمن قادر است افراد را از گزند نیروهای مرموز و نفوس موزی برهاند. این آیین از دیرباز در میان قبایل تورانی، مغول، سرخ‌پوستان آمریکا، اسکیموها و دیگر قبایل رایج بوده است.

۳. شرح تصویرمهرها

در آثار کشف شده تمدن جیرفت مهرهای بسیاری وجود دارد که برای رسیدن به نتیجه‌ی مطلوب در خصوص نمایش‌های آیینی باید ابتدا شرح شمایل‌نگاری سه نمونه‌ی مهر کشف شده در کرانه‌ی هلیل‌رود صورت گیرد تا قدرت صاحب منصب عالی‌رتبه در تصاویر نمایان شود، در ادامه ارتباط این صاحب منصب با زوج رو در روی وی شرح داده شود و سپس تصاویری از نمونه‌های مشابهی از زوج رودرو در سایر آثار کشف شده‌ی دنیا که توسط هنرمندان صنعتگر از اجرای یک نمایش آیینی روایتگری شده است آورده شود تا بتوان به

نتیجه‌ی مطلوب دست یافت، در همین راستا از تصاویر مرتبط با این نقوش سخن به میان خواهیم آورد؛ اولین تصویر مد نظر ما برخی از نشانه‌های افراد دارای جاه و مقام و صاحب قدرت را مانند دو شاخ قوسدار که متعلق به خدای خورشید در فلات ایران است دارد و در برابر او نیز فرد دیگری که از شانه‌های او بال‌های باریک با انحنای ملایمی که نشان از مقام اولویت او دارد و کلاهی بر سر و دو دستبند با لبه‌های به تندی اریب شده که قابل مشاهده است، دیده می‌شود.

همچنین در سمت چپ وی نمادهای ترکیبی وجود دارد که احتمالاً نشان دهنده‌ی مقام پهلوانی اوست، از نیم‌رخ پرنده‌ای شکاری که ماری شاخدار را به چنگال گرفته است، می‌توان دید. (مجیدزاده، ۱۳۸۳: ص ۵۷).

با توجه به، به کاربردن شاخ و بال در این تصویر نقش‌نگاری شده، نشان می‌دهد که این دو شخصیت در روزگار خود از جایگاه ویژه‌ای چون پهلوانی، پادشاهی و یا خدایی برخوردار بوده‌اند که تصویر آن‌ها توسط صنعتگر بر روی ظروف حکاکی شده است. در خصوص تصویر صحنه‌ی حکاکی شده‌ی دیگری که مدنظر ماست (تصویر شماره یک - ب) باید گفت بر روی این مهر نیز که متعلق به فردی عالی مقام است.



تصویر شماره‌ی یک(الف)، متعلق به کشفیات کنارصندل



تصویر شماره‌ی یک (ب)، متعلق به کشفیات کنارصندل

واکاوی نشانه‌های
نمایش‌های آیینی
در نقوش مهرهای
مکشوفه تمدن
باستانی جیرفت

«در این تصویر، ترکیبی از نقش دو انسان دیده می‌شود که بر روی سکویی روبه‌روی هم نشسته‌اند. هرچند که شکستگی مهرها تشخیص جنسیت پیکرها را مشکل می‌سازد، اما

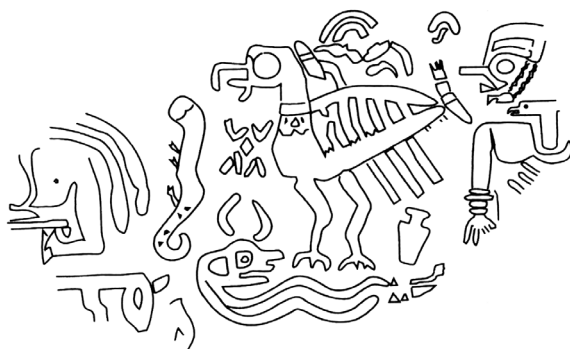
تصویر سمت چپ دو دستبند مشابه با لبه‌های به تندی اریب شده به دست‌ها دارد که اشاره به نسبت (یا همانندی) او با پهلوان‌الهی یا کلاهی شبیه پرنده دارد و روبه‌روی او، با قضاوت از روی سینه‌های کاملاً شکل داده شده‌اش این تصویر متعلق به یک زن است. (مجیدزاده، ۱۳۸۳: ص ۵۷).

گویا هنرمند حکاک بار دیگر تصویر یک رخداد مهم بین دو شخصیت که جنسیت آن‌ها واضح مشخص نیست را در این سرزمین به تصویر کشیده که متعلق به افراد با نفوذ است و یا بخشی از یک اتفاق مهم و یا یک مراسم آیینی متعلق به افراد صاحب قدرت که به تصویر کشیده شده است را روایت می‌کند.

تصویر دیگر مد نظر ما باز زوجی در آن به تصویر کشیده شده است را نمایش می‌دهد. پیتمن در خصوص این قطعه مهر کشف شده که تنها بخشی از آن برجای مانده و تصویر کنده‌کاری شده نشان از حضور زوج نشسته در این مهر دارد می‌نویسد:

«در این تصویر پهلوان‌الهی رو به سمت چپ ایستاده که شباهت بسیاری به تصویر پهلوان‌الهی (تصویر شماره‌ی یک-الف) دارد، هنرمند صنعتگر باز فردی با همان ویژگی‌های ظاهری را با نشانه‌هایی مانند کلاه شبیه پرنده و پرنده‌ای بر روی شانه‌ی پهلوان‌الهی به تصویر می‌کشد تا معرف پهلوان یا فردی با نفوذ و مقام عالی در عصر خود باشد».

در این تصویر متفاوت که به جای کلاه شبیه پرنده، کلاهی پهن بر سر دارد و بر صورت او اثر زخم یا علامتی به حالت مورب است و یک پرنده‌ی شکاری از بالای شانه‌ی او نقش و نگاری شده است نمایش می‌دهد که نقش پرنده‌ی شکاری و مار کاملترین بخش بر جای مانده در این قطعه‌ی شکسته است و تنها نشان حضور زوج نشسته، بخش سالم مانده‌ی کوچکی از تصویر نشسته‌ای در سمت چپ است که (احتمالاً) مرد است. (مجیدزاده، ۱۳۸۳: ص ۵۷) را می‌توان دید که باز در این اثر روایتگری هنرمند حکاک در قالب زوج تکرار می‌شود که ما را به سمت رخداد مهم بین یک زوج هدایت می‌کند؛ گویی هنرمند حکاک راوی مجدد روایتی بسیار مهم و دارای شکوه در عصر خود شده که وی را از به تصویر کشیدن سایر زیبایی‌های محیط پیرامونش باز می‌دارد.



تصویر شماره‌ی دو، کشفیات کنارصندل

چنانکه پیش از این اشاره شد علاوه بر تصاویر کشف شده در کنار صندل اگر در سایر آثار باستانی کشف شده در سایر نقاط دنیا کمی دقت و جست‌وجو کنیم می‌توان همین روایت‌گری هنرمند صاحب ذوق که از رخداد‌های پیرامونی وی در خصوص یک مراسم آیینی که به صورت نمایشی در حال انجام است را در سایر آثار برجای مانده متعلق به یک زوج دید. بدون شک در گذشته جوامع و فرمانروایان برای حفظ قدرت و حاکمیت خود بر یک گستره‌ی جغرافیایی و مصون ماندن از حملات سایر اقوام به سیاست برقراری روابط خویشاوندی روی می‌آورده‌اند مانند مصر باستان که رویکرد سیاسی حاکمانی مانند فراعنه‌اش معمولاً این بوده است که براساس عواملی مانند خویشاوندی و غیره متحد می‌شده‌اند. (لن، ۲۰۰۳: ۱) ما نیز در این‌جا به دنبال یافتن رد پای همانندی از ساکنین این گستره‌ی جغرافیایی با سایر جوامع پیرامونیشان هستیم، جدای از تصاویر موجود متعلق به فلات ایران تصاویر دیگری نیز که همانندی با تصویر کشفیات جیرفت دارد و در سایر نقاط جهان موجودند را شرح می‌دهیم تا در خصوص کشفیات جیرفت رمزگشایی نمائیم چرا که این آیین‌ها احتمالاً در سایر نقاط مد نظر ما نیز وجود داشته است و شباهت و همانندی در تصویرسازی‌ها برای روشن‌تر شدن نقوش مهرهای کشف شده تمدن جیرفت که وضوح کمتری برخوردارند وجود دارد که در این‌جا به شرح آن‌ها می‌پردازیم. یکی از این تصاویر متعلق به مهر نیویورک است که پوشش افراد مانند کلاه به شکل کوهان گاو، سر خرس و یا شیر و جانورانی مانند مار به عنوان نماد قدرت و فرمانروایی وجه شباهت با تصاویر مد نظر ما دارد. پیتمن هم به عنوان باستان‌شناس در این خصوص می‌گوید:

«در تصویر مهر نیویورک دو انسان زانورده به نشانه‌ی نیایش یک دست خود را به سوی خدای خورشید در دایره دراز کرده‌اند و کلاه‌هایی که آن‌ها را به جانوران نیرومند پیوند می‌دهد بر سر دارند. شخصیت سمت چپ کلاهی متشکل از سر و کوهان گاو بر سر دارد، مقام خدایی او از طریق مارهایی نشان داده شده است که از زیر با زبان رو به بالای او بیرون آمده‌اند، روبه‌روی این شخصیت در سوی دیگر دایره‌ی خورشید پهلوان دیگری است اما این بار پهلوان شکارچی که کلاهی از سر خرس یا شیر که مشخص‌کننده‌ی هویت اوست بر سر نهاده است. این دو شخصیت از طریق جانورانی که بر سر نهاده‌اند و یا به گونه‌ای دیگر با آن‌ها پیوستگی دارند شناخته می‌شوند، اکنون می‌توانیم به پهلوان گاو کوهان‌دار و مار و پهلوان خرس شیر، پهلوان کنار صندل جنوبی را که در سر پرنده شکاری دارد بیفزاییم و به آن‌ها به عنوان خدا، پادشاهان یا فرمانروایان سرزمین‌هایی که در طول عصر مفرغ در سراسر طول رود هلیل اقتدار یافتند ببیندیشیم.» (مجیدزاده، ۱۳۸۳: ص ۵۹).

وجه اشتراک بین تصویر مهر نیویورک که تصویری کامل‌تر و واضح‌تر نسبت به تصویر مهرهای جیرفت است. جایگاه و مقام تصویر حکاکی شده در آن جوامع به دلیل کلاه متشکل از حیوان و وجود مارهایی که بیان‌کننده‌ی مقام خدایی آن‌هاست می‌باشد، چنانکه در باور عیلامی‌ها نیز می‌توان نقش مار را در نقوش کهن آن‌ها دید که با آیین‌های آن سرزمین مرتبط است و در باورشان خدای آن‌ها که ماری در دست دارد/ نیشوشینگ است (پاتس، ۱۳۸۵ : ۲۸۵-۲۸۷)، این وجه اشتراک به کاربردن حیوان و یا اجزای بدن حیوان در کلاهی که نشانه‌ی سروری و برتری آن‌ها به عنوان فردی نیرومند است را در تصاویر کشفیات جیرفت و

نیویورک هر دو می توان مشاهده کرد که ثابت کننده ی جایگاه بالای افرادی است که در تصویر مهرهای جیرفت حکاکی شده اند و در حال انجام نمایش آیینی می باشند.



تصویر شماره ی سه، نیویورک

۴. شخصیت های رودرو

یکی از نقوش مشترک مهرهای مورد نظر در این مقاله نقوش متعلق به افرادی است که روبه روی هم دیده می شوند که این تصاویر به مانند تصاویر دیگر متعلق به عصر مفرغ برای بیان ارتباط و نسبت نزدیک بین افراد حکاکی شده اند و در کاوش های کنارصندل نیز شاهد کشف آثاری با این نقوش هستیم. بدین گونه که شخصیت هایی فاقد صفات الهی بر روی سکویی کوتاه نشسته اند که این سکو جایگزین پایین تنه ی افراد است و این نوع نشستن متعلق به تصاویر هزاره سوم قبل از میلاد می باشد. در این تصاویر، افراد حالت یکسانی دارند که نشان از جایگاه و مرتبه ی برابر آن هاست. این تصاویر حکاکی شده در کنار صندل کامل نبوده تا پژوهشگر بتواند تعیین جنسیت این شخصیت ها را انجام بدهد و تنها با قضاوت از روی تصاویر مرتبط می توان گفت احتمال دارد که دو شخصیت مذکر و مونث روبه روی هم نشسته باشند. در این تصاویر، هر دو نقش موهای بلندی دارند که معمولاً به صورت آزاد در پشتشان آویزان شده است و تنها مردها را می توان از روی طره ی آویزان شده از جلوی شانه شان شناسایی کرد. پیتمن در این خصوص می نویسد:

«در تصویر شماره ی چهار، تصویر شخصیت مذکر در سمت راست نشسته است و در هر دو دست دستبندی شبیه دستبندهای پهلوان الهی بر دست دارد. این امر نشان از این است که همان پهلوان الهی است که به صورت فرمانروای زنده نشان داده می شود که دست چپ سه انگشتی خود را برابر کمر نگاه داشته و دست راستش را به سمت هم نشینش دراز کرده است و روبه روی وی در سمت چپ دومین شخصیت نشسته قرار دارد که به نظر مونث است. وی دست راست سه انگشتی خویش را در حد کمر گرفته و دست چپ را با آرنج خم شده به سمت هم نشین مذکر دراز کرده است. همچنین شیئی به سختی قابل تشخیص زیر مچ دست او شناور و آویزان است که می توان گفت در مقایسه با نمونه های دیگر این صحنه، شاید جام مخروطی شکلی را به هم نشین خود تقدیم می کند. در تصویر ذیل، احتمالاً جای این دو نفر با

قرارگرفتن مرد در سمت راست با هم عوض شده است؛ مرد که طره‌ای از موهایش در جلو و روی‌شانه افتاده است، پرنده‌ای را به دست راست گرفته است و دست چپ را که از آرنج خم شده به سمت جلو دراز کرده است. تنها تخته‌های عمودی سکوست که حضور شخصیت نشسته رو در روی او را تایید می‌کند که به جای مانده است. (مجیدزاده، ۱۳۸۳: ص ۶۰).



تصویر شماره‌ی چهار متعلق به کشفیات کنارصندل

احتمالاً بخش بالایی بدن شخصیت مونث در تصویر مورد بحث ما در قطعه‌ی دیگری که تصویر آن را در ذیل این مطلب آورده‌ایم بر جای مانده است. این شخص که رو به سمت چپ دارد، دست‌کم از نظر سبک و قد و قواره به صحنه‌ی ترکیبی در تصویر شماره‌ی پنج شبیه است که با داشتن موهای بلند و نبودن طره‌ی موی افتاده بر شانه، سینه‌ی برآمده‌ی زنانه و نیم‌رخ زاویه‌دار صورت، گواه بر مونث بودن این شخصیت است. (مجیدزاده، ۱۳۸۳: ص ۶۱).



تصویر شماره‌ی پنج متعلق به کشفیات کنارصندل

واکاوی نشانه‌های
نمایش‌های آیینی
در نقوش مهرهای
مکشوفه تمدن
باستانی جیرفت

علاوه بر تصاویری که شرح داده شد، وجود شش یا هفت قطعه‌ی دیگر از مهرهای به دست آمده از حفاری‌های کنار صندل جنوبی با تصویر شخصیت‌های برسکو نشسته مهم بودن شخصیت آن افراد را نشان می‌دهد. باستان‌شناسان عقیده دارند «افزون بر تصویر ترکیبی با پهلوان الهی، نماد پرنده و صحنه‌ی رو در رو، صحنه‌ی دو شخصیت رو در رو، ترکیب دیگری

از شمایل‌نگاری بر جای مانده است که به واقع کامل است؛ صحنه‌ی تقابل دو انسان که با صحنه‌هایی از پیکار دو جانور افسانه‌ای ترکیب شده است. در این صحنه تقابل دو شخصیت به حالت زانو زده نشان داده شده‌اند تا نشسته بر سکو و شخصیت سمت چپ با قضاوت از روی کلاه دم‌حیوان، مردی است با بینی بسیار کشیده و نوک تیز که دست راست را بر کمر نهاده، و دست چپ را به منظور لمس کردن دامن شخصیت مقابل دراز کرده است و شخصیت مونث روبه‌روی او بر زانو نشسته است، هر دو دست او را در حالتی کاملاً مشابه گرفته و موهای بلند او پشت سرش فرو ریخته است. بینی وی اگرچه برجسته است اما به بزرگی بینی مرد نیست». (مجیدزاده، ۱۳۸۳: ص ۶۱). بدون شک این تصویر حکایت از باز طراحی آیینی چون زناشویی و یا ازدواجی مهم متعلق به آن سرزمین دارد که هنرمند حکاک بر روی سنگ نقش‌نگاری کرده است.



تصویر شماره‌ی شش کشفیات کنارصندل جنوبی

۴-۱. نقوش کشف شده و مشابه زوج رودرو

در خصوص نقوش کشف شده از زوج رودرو چندین نمونه قابل مقایسه متعلق به فلات ایران وجود دارد که ما را به کسب نتیجه از فرضیه‌ی وجود نمایش آیینی در هزاره‌های پیش از میلاد در جیرفت رهنمون می‌کند:

۴-۱-۱. سنجاق مفرغی مجموعه لوور:

دومین نمونه که شباهت تنگاتنگی با طرح مهر کشف شده در کنارصندل دارد، سنجاقی مفرغی ساخته شده در مجموعه‌ی لوور است که هنرمند حکاک باز روایت کننده‌ی ارتباط یک زوج است که می‌تواند گواهی بر مدعای ما مبنی بر حضور زوج آثار کشف شده‌ی کنارصندل باشد که در حال برپایی یک مراسم آیینی هستند.

درون سر مستطیل شکل این سنجاق، زوجی رودرو طرح زده شده‌اند بدین شکل که زن رو به سمت چپ و مرد رو به سمت راست مقابل هم زانو زده‌اند و سطح دامن یکسان و بلند آن‌ها با طرح جناغی مشخص شده است. شخصیت مونث موی بلندی دارد که به حالت شل پشت سر بسته شده است او به دست راست ساغر مخروطی شکل دارد و دست چپ را پایین نگه داشته است و در پشت سر او نیز هلال ماه قرار دارد. در مقابل او شخصیت مذکر

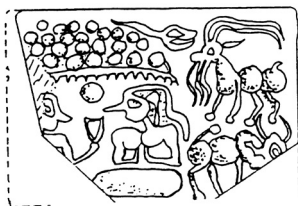
قرار داد با موهای بلندی که در پشت سر آویخته و طره‌مویی که از روی شانه در جلوی بدن آویزان است. او شانه‌ی زن را لمس می‌کند (مجیدزاده، ۱۳۸۳: ص ۶۲).



تصویر شماره‌ی هشت متعلق به موزه‌ی لوور

۴-۱-۲. مهر موزه‌ی بریتانیا:

نمونه‌ی مشابه دیگر زوج رودرو متعلق به قرن نوزدهم بوده و در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود و می‌توان آن را با مهر کشف شده و مدنظر در کنار صندل در خصوص انجام یک مراسم آیینی مقایسه کرد، مهری است که تصویرنگاری آن همانند مهر مدنظر ماست. «در این طراحی نقش مردی به تصویر کشیده شده که بدنش از روبه‌رو و سرش از نیم‌رخ نقش زده شده است، دارای موهای بلند بر پشت سر ریخته شده و طره‌موی کوتاه‌تری که از روی شانه بر سینه آویخته شده دارد که رو به سمت چپ چهارزانو نشسته و دامش آن‌ها را پوشانده است. در برابر او در سمت چپ شخصیت دوم قرار دارد که بخش بزرگی از تصویر او به دلیل شکستگی لبه‌ی مهر از میان رفته است. نیمی از صورت تمام‌رخ، شانه و دست این زن که جام مخروطی شکل را نگه داشته، بر جای مانده است.» (مجیدزاده، ۱۳۸۳: ص ۶۲)

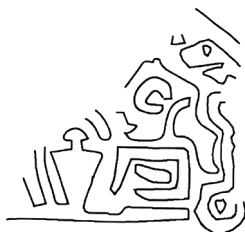


واکاوی نشانه‌های
نمایش‌های آیینی
در نقوش مهرهای
مکشوفه تمدن
باستانی جیرفت

تصویر شماره‌ی نه متعلق به موزه‌ی بریتانیا

مهر مسطح موزه‌ی بریتانیا همچنین شباهت تنگاتنگی با اثر مهر شکسته‌ای دارد که از اکتشافات کنارصندل جنوبی به دست آمده است. این مهر شکسته که با اطمینان قریب به یقین

اثر یک مهر مسطح است، یک سمت چیزی را نشان می‌دهد که می‌بایست نمونه‌ی دیگری از صحنه‌ی تقابل شخصیت‌ها باشد و آزمایش دقیق وی از نحوه‌ی شکل بخشی مردهک چشم در این مهر و چشم در مهر موزه‌ی بریتانیا امکان تولید هر دو اثر در یک کارگاه واحد را در ذهن متبادر می‌سازد. در این صحنه تقابل شخصیت‌ها، ظرفی آن‌ها را از هم جدا می‌سازد. (مجیدزاده، ۱۳۸۳: ص ۶۲)



تصویر شماره‌ی ده کشفیات کنارصندل

همچنین در خصوص صحنه‌ی تقابل شخصیت‌ها که ظرفی آن‌ها را از هم جدا می‌سازد می‌توان این تقابل را در تصویر ردیف پایین مهر استوانه‌ای مجموعه‌ی شخصی آمیه که در ذیل این مطلب آمده است نیز مشاهده نمود.



تصویر شماره‌ی یازده، آمیه

۳-۱-۴. صحنه‌ی نمایش آیینی در مهر موزه‌ی لوور و کنارصندل جیرفت یکی از آثار موجود که شباهت بسیاری به نقوش کشف شده‌ی جیرفت با صحنه‌ی نقش‌نگاری شده‌ی تقابل زن و مرد دارد، نقوش مهر موجود در موزه‌ی لوور است. صحنه‌ی تقابل مرد و زن به یک اثر کشف شده در مالکیت موزه‌ی لوور متعلق به اواسط دهه‌ی هفتاد است که از لحاظ شکل و شمایل‌نگاری پایه، همانند دو نمونه‌ی مصادره شده در جیرفت است

که در نمونه‌ی موزه‌ی لوور دو نسخه‌ی متفاوت از صحنه‌ی تقابل شخصیت‌ها را نشان می‌دهد؛ در سمت راست این طرح، در یک سمت مردی با طره‌ی موی بلند، هر دو دست را تا کمر بالا آورده و بر چارپایه‌ی دسته‌داری با انتهای تزیینی قوسدار نشسته است و روبه‌روی او زنی است با موهای بلند آویخته که زیر دامن طرح‌داری زانو زده یا چهارزانو نشسته است. وی جامی مخروطی را در برابر لبانش نگاه داشته است؛ در بالا و میان آن‌ها یک هلال ماه بالای سر مرد و یک گل بالای سر زن وجود دارد. سمت دیگر این سنگ لاجورد گرد همان شخصیت‌ها را با ارتباط معکوس نشان می‌دهد. اکنون زن با موهای جمع شده در بالا، بر چهارپایه‌ای با کف قوسدار نشسته است و دست‌هایش را در پهلوها نگاه داشته و به نظر می‌رسد دامن مرد را که روبه‌رو و در سمت چپ او چهار زانو نشسته است، لمس می‌کند. مرد دست چپ خویش را تا برابر دهان بالا آورده و دست راست را در سطح نگه داشته است. جام مخروطی شکلی در برابر صورتش در هوا معلق است. در فضای بالا و میان آن‌ها همان هلال و گل، اما این بار در حالت عکس، یعنی هلال در بالای سر مرد و گل بالای سر زن قرار دارد. لبه‌ی این سنگ لاجورد گرد با تزیین‌کننده‌ی ظریف طرح ریسمانی تابیده در هم، تزیین شده است. اگر چه ارائه‌ی تعبیری قطعی امکان‌پذیر نیست، اما این باز نمود مرکب آشکارا دو مرحله از یک ارتباط مجرد میان یک زن و مرد را عرضه می‌کند (مجیدزاده، ۱۳۸۳: ص ۶۳).



تصویر شماره‌ی دوازده متعلق به موزه‌ی لوور

همه‌ی ما به خوبی می‌دانیم که یکی از مهم‌ترین لحظات زندگی افراد زمان ازدواج آن‌هاست و با توجه به اینکه در تصویر سمت چپ زن موهای خود را به نشانه‌ی شوهردار بودن در بالا جمع کرده، شاید بتوان گفت این تصویر روایت یک ازدواج پیش از شکل‌گیری و بعد از آن باشد. (مجیدزاده، ۱۳۸۳: ص ۶۴) پیتمن با استناد به متون عیلامی و بین‌النهرینی می‌گوید: «ازدواج میان گروه‌های هم پیمان، در تمامی طول اعصار عملی دیپلماتیک بوده است و در واقع متون مربوط به ریموش پادشاه اکدی این را بیان می‌کنند که شاه با دختر فرمانروای مرهشی، نام قدیم بین‌النهرینی برای منطقه‌ی جیرفت، ازدواج کرد که احتمال دارد که پهلوانان الهی طرح‌های مورد بحث ما با توجه به کلاه‌های شاخص خود که به وضوح متمایز هستند، خانواده‌های حکومتی دولت‌های هم پیمان در دره‌ی هلیل رود طی اواسط هزاره‌ی سوم ق.م را نشان دهند.»

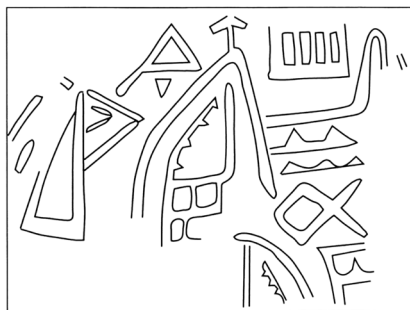
در متون سلسله‌ی اور سوم آمده که رابطه‌ی بین جنوب بین‌النهرین و مرهشی رابطه‌ای جامع بوده است. بر طبق متون میخی بین‌النهرینی، ازدواج سیاسی در سال هجدهم پادشاهی

شولگی پادشاه بین‌النهرین رخ داده و دختر شولگی به نام لیویرمیتاشو با پادشاه مرهشی ازدواج کرده است. (سیگریست اندگومی، ۱۹۹۱: ۳۲۱).

ترکیب پهلوان الهی، نماد پادشاهی او و زوج نامزد شده، شاید سندی عینی در برقراری و تقویت مشروعیت فرمانروایی بوده است که در دوران رونق مبادلات محلی و تجارت راه دور کالاهای تجاری مانند سنگ و غیره در منطقه، بر کنارصندل جنوبی و سرزمین‌های پیرامون فرمانروایی می‌کرده است. حضور چنین تصویری بر مهرهایی با کاربرد اقتصاد حکومتی، به احتمال نقشی را نشان می‌دهد که دربار در روند تولید و توزیع کالاهای با ارزش در کنارصندل جنوبی برعهده داشته است.

۴-۱-۴. مهر شهر بین‌النهرین

بر اساس مطالب مندرج در متون تمدن بین‌النهرین، ازدواج‌های سیاسی میان سارگون‌اکدی و مرهشی، مربوط به ازدواج میان پسری از نرام - سین و یک شاهزاده‌ی مرهشیایی و ازدواج دختر شولگی دومین فرمانروای سلسله‌ی اور سوم با پادشاه مرهشی می‌باشد. (مجیدزاده، ۱۳۸۷: ص ۱۱) /ستنک‌کر عقیده دارد و تصاویر حکاکی شده بر روی ظروف اکتشافی تمدن جیرفت، متعلق به زوج رودروست که حکایت دارد از یک رویداد مهم که همان ازدواج سیاسی و با اهمیت میان دو خانواده‌ی شاهی مرهشی و بین‌النهرین است. همچنین تایید باستان‌شناسان مبنی بر وجود ارتباط قوی میان مرهشی و بین‌النهرین که در دوره‌ی (۲۳۰۰-۱۷۰۰ پ.م) تمدن جیحون در زمینه‌های متعدد با عیلام و بین‌النهرین (اکد و اور سوم تا زمان حمورابی) بوده است، قابل توجه است. (مجیدزاده، ۱۳۸۷: ص ۱۶۶). پال فرانکفورت می‌گوید و کشف حدود ده قطعه اثر مهر که شباهت بسیار به مهرهای شناخته شده در گورستان سلاطین اور داشته، به دوره‌ی سوم سلسله‌ی قدیم، حدود ۲۴۰۰ ق.م نسبت داده شده است. (مجیدزاده، ۱۳۸۷: ص ۴۲) پیتمن عقیده دارد که در خصوص وجود مهرهای کشف شده‌ی متعلق به فرمانروایی کنارصندل در این منطقه باید گفت تعدادی از مهرهای کشف شده‌ی مربوط به منطقه‌ی بین‌النهرین است که در سومر کاملاً مرسوم بوده است. اثر «مهرشهر» بین‌النهرینی به دست آمده از جیرفت مربوط به دوره‌ی سلسله‌ی قدیم اول یعنی حدود ۲۹۰۰ پ.م است (مجیدزاده و پیتمن، ۲۰۰۸: ۶۹-۱۰۳) که در یکی از این مهر شهرها نماد شهر اور در سمت چپ کاملاً واضح می‌باشد.



نماد شهر اور بر روی مهرشهر بین‌النهرینی به دست آمده
از جیرفت با تاریخ حدود ۲۹۰۰ پ.م (برگرفته از ۲۰۰۸، مجیدزاده و پیتمن)

تا جایی که یافته‌های کشفیات باستان‌شناسی و بررسی‌های ما بر روی نقوش آثار کشف شده‌ی جیرفت و نقوش مشترک در موزه‌ها و مجموعه‌های معتبر باستان‌شناسی نشان می‌دهد، به این نتیجه رسیدیم که یکی از آیین‌های نمایشی در هزاره‌ی سوم پیش از میلاد آیین ازدواج بوده است و بدین ترتیب قدیمی‌ترین زمان در نظر گرفته شده برای نمایش‌های آیینی، بر خلاف نظر بهرام بیضایی، هزاره‌ی سوم پیش از میلاد است و می‌توان با توجه به این یافته‌ها نظریه‌ی پیشین بهرام بیضایی را که قدمت نمایش‌های آیینی ایران را نیمه‌ی اول هزاره‌ی دوم پیش از میلاد ذکر کرده است رد کرد.

نتیجه‌گیری

بدون شک آیین‌های مردم ایران قدمتی به درازای تاریخ بشر دارد. آثار کشف شده‌ی تمدن جیرفت می‌تواند اطلاعات ارزشمندی را در خصوص آداب و رسوم و باورهای مردم این گستره‌ی جغرافیایی که حدوداً پنج هزار سال پیش از میلاد در این منطقه می‌زیسته‌اند، در اختیار پژوهشگران قرار دهد. بررسی‌های انجام شده بر روی نقوش تمدن باستانی جیرفت موید وجود آیین‌های نمایشی در این دوره از تاریخ است؛ با توجه به یافته‌های باستان‌شناسی و بررسی مقایسه‌ی بین نقوش کشف شده‌ی تمدن هلیل جیرفت و برخی از نقوش مشترک در سایر نقاط دنیا می‌توان نتیجه گرفت که در هزاره‌ی پنجم پیش از میلاد آیین‌هایی در حوزه‌ی باستان‌شناسی کنارصندل جیرفت به صورت نمایشی انجام می‌شده است و این نکته را از شباهت موجود میان نقوش مهرهای کشف شده تمدن جیرفت و مهرهای موجود در موزه‌ی لوور - که همانندی از لحاظ شکل و شمایل‌نگاری پایه دارند - می‌توان دریافت. به عبارت دیگر، با توجه به نمونه‌ی مهرهای موجود در موزه‌ی لوور، موزه‌ی بریتانیا و مهرهای کشف شده از کنارصندل جیرفت، نتایج این پژوهش در خصوص اثبات قدمت نمایش‌های آیینی در هزاره‌ی پنجم پیش از میلاد مسیح در فلات ایران تایید می‌شود و این مهم، یافته‌های پیشین بهرام بیضایی را - که تاریخ نمایش‌های آیینی را نیمه‌ی اول هزاره‌ی دوم پیش از میلاد ذکر کرده است - با تردید مواجه می‌سازد.

منابع

- اسکندری، نصیر و دیگران. (۱۳۹۹) تمدن جیرفت (براساس متون میخی بین‌النهرینی و کشفیات باستان‌شناختی در محوطه‌ی باستانی ورامین و کنارصندل جیرفت)، فصلنامه‌ی علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء شماره‌ی ۴۷. ۲۹-۱۱.
- براکت، اسکارگروس. (۱۳۶۲) تاریخ تئاتر جهان، ترجمه‌ی هوشنگ آزادی‌ور، تهران، نشر مروارید.
- بیضایی، بهرام. (۱۳۴۴) نمایش در ایران، تهران، نشر کاویان.
- پاتس، دانیل. (۱۳۸۵) باستان‌شناسی عیلام، ترجمه‌ی زهرا باستی، تهران، انتشارات سمت.
- پاکباز، رویین. (۱۳۹۵) دایره‌المعارف هنر، تهران، نشر فرهنگ معاصر.
- پیتمن، ویلیام. (۱۳۹۸) سنت‌های اجرایی در ایران، ترجمه‌ی علی نجفی، زهرا مشکانی، علی دلاوری‌مقدم، تهران، نشر افراز.
- ذکاء، یحیی. (۱۳۴۲) رقص در ایران پیش از تاریخ، مجله‌ی موسیقی، ص ۵۴.
- مجیدزاده، یوسف. (۱۳۸۳) مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی تمدن حوزه‌ی هلیل،

تهران، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان.
- مجیدزاده، یوسف، میری، محمدرضا. (۱۳۸۷) باستان‌شناسی حوزه‌ی هیل‌رود؛ جنوب شرق
ایران: جیروفت، تهران، فرهنگستان هنر.
- نعمت‌طاووسی، مریم. (۱۳۹۲) فرهنگ نمایش‌های سنتی و آیینی ایران، تهران، نشر فراین.
- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۶) فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی، تهران، نشر
فرهنگ معاصر.

- majidzadeh y.& pittman h. (2008),“excavations at konar sandal in the region of jiroft in the halil basin:first preliminary report (2002-2008)”, Iran 46,pp69-103
- mauss.m.(1966), the gift: forms and functions of exchange in archaic societies, London: cohen &west.
- potts d.t(2002)“total presentation in marhashi-ur relations” iranica antique vol. xxxvll pp.343-357
- shaw, lan(2003).the oxford history of ancient Egypt . oxford university.pp.1.
- sigrist m and t.gomi(1991),the comprehensive catalogue of published ur III tablets, Bethesda:cdl press.